

تئوری حسابداری اجتماعی

محمد رضا جعفری

رشد و توسعه صنایع، کارخانه‌ها و واحدهای تجاری همگام با ایجاد و تکامل نهادهای اجتماعی، تحول در نقش اطلاعات، تحول در تشکیلات دولتی و سرانجام، تحول در اخلاق، به تدریج تعهدات و الزاماتی را به عهده واحدهای تجاری گذاشته که پیش از این تحولات، چنین تعهداتی به این شدت رسمی و قانونمند نشده بود. یکی از پیامدهای این رشد و توسعه صنعتی، ظهور پیوند اقتصاد با اخلاق و سیاست و تاثیر متقابل مسائل اقتصادی و اخلاقی و ارزشهای اجتماعی بر یکدیگر است. بدین ترتیب، مدیریت واحدهای تجاری دیگر صرفاً افزایش سودآوری یا تولید کالا را تنها هدف خویش ندانسته بلکه موضوعاتی دیگر همچون پرداخت حقوق عادلانه به کارگران، رعایت کیفیت و بهای تولیدات، آلودگی محیط زیست و سایر مسائل اخلاقی، سیاسی، نژادی و اجتماعی را نیز باید رعایت کنند. بنا بر این واحدهای تجاری به جای داشتن عملکرد صرفاً اقتصادی، به صورت نهادهایی چند منظوره درآمده‌اند. از دیگر سو تحت تاثیر این تحولات، چگونگی ارزیابی عملکرد و معیارهای آن دگرگون شده، از چارچوب تنگ و محدود اقتصادی فراتر رفته، معیارهای عملکرد اجتماعی که مبنای ارزیابی عواقب و تاثیرات اجتماعی فعالیتهای واحدهای تجاری است، پدیدار شده است. حسابداری اجتماعی سعی دارد تا این تاثیرات متقابل عملکرد واحدهای تجاری و جامعه

پیرامونش را شناسایی و برای تصمیم‌گیری صحیحتر استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی گزارش کند. در این مقاله سعی شده که مفاهیم و چارچوب تئوریک حسابداری اجتماعی در قالب روش قیاسی تبیین و چگونگی و مشکلات عملی آن بیان شود. همچنین باید در نظر داشت که واحد تجاری با جامعه توافق و قراردادی غیررسمی دارد و باید تعهدات ناشی از این قرار داد، شناسایی و گزارش گردد.

ایرادهای حسابداری متداول

طرفداران حسابداری اجتماعی، ایرادهایی علیه استانداردهای حسابداری در باره فراهم ساختن اطلاعات مربوط و مناسب برای تصمیم‌گیری مدیریت و سرمایه‌گذاران مطرح کرده‌اند. عدم شناسایی و گزارش تعهدات اجتماعی، به هزینه منظور کردن مخارج اجتماعی متحمل شده توسط واحد تجاری و تکمیل حسابداری بهتر در صورت استفاده از داراییهای بیشتری همچون منابع اجتماعی و انسانی در مدل بهره‌وری داده/ ستانده، از جمله این ایرادهاست.

ماهیت حسابداری اجتماعی

حسابداری مرسوم با تاکید بر اندازه‌گیری و گزارشگری معاملات و رویدادهای اقتصادی واحدهای تجاری، معاملات اجتماعی واحدهای تجاری با اجتماع پیرامونش را نادیده می‌گیرد. بکارگیری و استفاده از منابع اجتماعی باعث روی دادن معاملات اجتماعی بین واحد تجاری و جامعه پیرامونی‌اش می‌شود. پیامد این معاملات اجتماعی، هزینه‌های اجتماعی به معنی کاهش منابع اجتماعی و منافع اجتماعی به معنی افزایش و بهبود منابع اجتماعی است. هدف نهایی حسابداری اجتماعی اندازه‌گیری و گزارشگری این منابع، هزینه‌ها و منافع اجتماعی است.

تعریف حسابداری اجتماعی

حسابداری اجتماعی فرایند گردآوری، اندازه‌گیری و گزارش معاملات و تاثیرات متقابل

این معاملات بین واحدهای تجاری و جامعه پیرامونی اوست. حسابداری اجتماعی از طریق اندازه‌گیری و گزارشگری تاثیرات متقابل واحد تجاری و جامعه پیرامونی‌اش، ارزیابی از توان ایفاء تعهدات اجتماعی را امکانپذیر می‌سازد.

هدفهای حسابداری اجتماعی

قرارداد واحد تجاری و جامعه پیرامونی‌اش، دو کارکرد مهم را برای واحدهای تجاری در پی دارد که عبارتند از:

- ۱- تولید و ارائه کالاها و خدمات سودمند برای جامعه.
 - ۲- توزیع عادلانه امکانات اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی بین گروه‌های اجتماعی که در واقع عامل پیدایش و دوام واحد تجاری هستند.
- در نقش تولید و ارائه کالاها و خدمات اجتماعی، واحد تجاری کارکردی تولیدی دارد و فرض می‌شود که انتفاع اجتماعی حاصل از تولیدات واحد تجاری بیش از هزینه‌های اجتماعی آن خواهد بود. مدیریت واحد تجاری همزمان با تعیین آثار و نتایج سرمایه‌گذاریهای اقتصادی، می‌باید هزینه - منفعت اجتماعی را نیز در نظر بگیرد و با توجه به میزان انتفاع یا زیان متحمل بر جامعه به هرگونه سرمایه‌گذاری اقدام کند.

وظیفه دوم واحد تجاری، کارکرد توزیعی است. در کارکرد تولیدی، به طور کلی به انتفاع یا هزینه اجتماعی معاملات اجتماعی واحد تجاری اشاره شد ولی در کارکرد توزیعی چگونگی توزیع این هزینه‌ها و منافع اجتماعی بین اقشار مختلف جامعه مطرح می‌شود؛ به عبارت دیگر، مسأله این است که آیا در اثر معاملات اجتماعی واحد تجاری، همگی گروه‌های اجتماعی به طور عادلانه انتفاع یا هزینه را متحمل شده‌اند یا توزیع ناعادلانه صورت گرفته است؛ مثلاً اگر بانکی به دلیل نیاز و تقاضای مناطق پر رونق، یکی از شعبه‌های خود را در منطقه‌ای کم رونق و پر جمعیت، تعطیل و به مکانی دیگر منتقل کند، بهره‌وری خود بانک و اقلیتی از جامعه و در مقابل، زیان رسانی برای اکثریتی از جامعه در منطقه‌ای دور افتاده و فقیرنشین را در پی خواهد داشت. به این ترتیب واحد تجاری باعث برهم زدن توزیع عادلانه امکانات و خدمات اجتماعی می‌شود.

با توجه به دو کارکرد مذکور، حسابداری اجتماعی هدفهای سه‌گانه‌ای به شرح زیر را دنبال می‌کند:

۱- تعیین و اندازه‌گیری خالص انتفاع و مشارکت اجتماعی واحد تجاری طی دوره مالی، از طریق محاسبه هزینه‌ها و منافع اجتماعی واحد تجاری.

سیاستها و اقداماتی از قبیل استخدام افراد بیکار جامعه، آموزش نیروهای متخصص برای بهبود کیفیت تولیدات و تأسیس شعبه‌های جدید در مناطق کم رونق و فقیرنشین از جمله اقداماتی است که تاثیر مثبتی بر منافع اجتماعی دارد و باید به عنوان منافع اجتماعی شناسایی شود. به طور کلی واحد تجاری با رعایت ارزشهای اجتماعی همچون عدالت و رفاه اجتماعی در تصمیم‌گیریهای اقتصادی باعث بهره‌وری جامعه خواهد شد. مسأله دوم اندازه‌گیری این هزینه‌ها و منافع است. همان طور که در علوم اجتماعی با مشکل کمی نمودن تاثیرات و پیامدهای اجتماعی رویدادهای مختلف روبرو هستیم، در حسابداری اجتماعی نیز برای اندازه‌گیری هزینه‌ها و منافع اجتماعی نیز با این مشکل روبرو هستیم. کمی نمودن اطلاعات بر مفید بودن آن می‌افزاید و نسبت به اطلاعاتی که صرفاً کیفی هستند بار اطلاعاتی بیشتری نیز دارد. تلاشها و تحقیقاتی برای کمی نمودن هزینه‌ها و منافع اجتماعی صورت گرفته و نتایجی را نیز در پی داشته است؛ به طور مثال برای تعیین و اندازه‌گیری دارایی انسانی و کمی نمودن این نوع دارایی در قالب واحد اندازه‌گیری پولی، مدل‌های هلتنس و لیکرت - هاورز و روشهای بهای تمام شده تاریخی و بهای جایگزینی قابل ذکر است. در عین حال همان‌گونه که با پیدا کردن صفر مطلق و قابل سنجش نمودن اطلاعات اجتماعی، تحول اساسی در علوم اجتماعی حاصل خواهد شد، حسابداری اجتماعی نیز به طور دقیقتر و قابل فهمتر منافع و هزینه‌های اجتماعی را شناسایی، اندازه‌گیری و گزارش خواهد کرد.

۲- تعیین ارتباط استراتژی و عملیات جاری واحد تجاری با ترجیحات و معیارهای

اجتماعی

از طریق بکارگیری حسابداری اجتماعی مشخص خواهد شد که واحد تجاری در انجام و ایفای تعهدات اجتماعی تا چه اندازه موفق است، و عملیات روزمره‌اش تا چه حد با هدفها و معیارهای از پیش تعیین شده اجتماعی واحد تجاری مطابقت دارد.

دو هدف مذکور، اهدافی هستند که به تعیین و اندازه‌گیری تاثیرات متقابل معاملات اجتماعی واحد تجاری و جامعه و ارزیابی عملکرد اجتماعی واحد تجاری تاکید دارد و هدف سوم به نحوه گزارشگری اجتماعی و تأثیر آن بر تصمیم‌گیریهی استفاده‌کنندگان، اشاره دارد.

۳- ارائه اطلاعاتی مربوط در مورد هدفها، سیاستها و برنامه‌های اجتماعی واحد تجاری از نظر گزارشگری برون سازمانی و تامین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان، اطلاعاتی مربوط، کافی و مناسب برای کمک به ارزیابی و آگاهی از مشارکتهای اجتماعی واحد تجاری باید گزارش گردد. ارائه اطلاعاتی که این ویژگیهای کیفی را ندارد، باعث گمراهی استفاده‌کنندگان (از قبیل گروه‌های اجتماعی) خواهد شد. اینها اطلاعاتی هستند که استفاده‌کنندگان را در اتخاذ تصمیمات در تخصیص صحیحتر منابع اجتماعی یاری داده و باعث جلوگیری از ابهام و سردرگمی آنها خواهد شد.

حسابداری اجتماعی با تامین هدفهای سه‌گانه‌ای که تشریح گردید، به تکمیل حسابداری مرسوم در گزارشگری و تامین اطلاعات کافی، مربوط و مناسب مورد نیاز کلیه استفاده‌کنندگان، کمک می‌کند.

مفاهیم

هدفهای حسابداری اجتماعی، چارچوب تئوریک و اساسی را فراهم کرده و در مقابل، مفاهیم، دیدگاه‌های عملی و کاربردی را ارائه می‌نماید. همان‌طور که اشاره شد، یکی از هدفهای حسابداری اجتماعی، تعیین و اندازه‌گیری منافع و هزینه‌های اجتماعی و نهایتاً خالص مشارکت اجتماعی واحد تجاری است. سود حسابداری فقط بخشی از این مشارکت را نشان می‌دهد زیرا صرفاً بر اساس معاملات بازار، اندازه‌گیری شده و معاملات متعدد دیگری را که به طور همزمان با معاملات اقتصادی به طور غیر رسمی بین واحد تجاری و جامعه روی داده را نادیده گرفته است. همان‌مثال بانک را مجدداً مرور می‌کنیم. بر اثر اقدام بانک در تعطیلی و بستن یکی از شعبه‌هایش در منطقه‌ای دور افتاده و کم رونق، بخشی از جامعه از تسهیلات بانکی که به راحتی در دسترس مردم بوده محروم شده و باعث بیکاری و کاهش فرصتهای شغلی، افزایش هزینه رفت و آمد ساکنان و نیز کارمندان شعبه قبلی تا شعبه جدید

بانک، کاهش ارزش املاک و واحدهای تجاری و رکود اقتصادی بیشتر آن منطقه خواهد شد. در مقابل، اگر بانک به توسعه شعبه‌هایش در چنین محلات و مناطقی اقدام کند، به تدریج باعث رونق گرفتن منطقه و نهایتاً افزایش سودآوری بانک و جامعه خواهد شد.

به این دلایل، حسابداری باید چنین معاملات غیر تجاری را نیز همزمان با معاملات اقتصادی شناسایی و گزارش کند. بنا بر این ضروری است مفاهیم اساسی نظیر معاملات اجتماعی، سود اجتماعی، ارکان اجتماعی، سرمایه اجتماعی و خالص داراییهای اجتماعی تعریف شود.

معاملات اجتماعی

معاملات اجتماعی، معاملات و مبادلات متقابل بین واحد تجاری و جامعه پیرامون آن است که نتیجه‌ای از تصمیمات و اقدامات اقتصادی واحد تجاری و جامعه پیرامون اوست. ویژگی این نوع معاملات این است که در بازار معاملات اقتصادی نمایان نیستند. شناسایی گزارشگری معاملات اجتماعی به صورت خالص تاثیرات آن در قالب سود خالص دوره مالی، معیار مناسبی برای بررسی تاثیر اجتماعی واحد تجاری است.

سود اجتماعی

سود اجتماعی خالص مشارکت و تاثیرات معاملات اجتماعی واحد تجاری با جامعه پیرامونی‌اش طی دوره مالی است؛ به عبارت دیگر، سود اجتماعی از مقایسه هزینه‌ها و منافع اجتماعی به دست می‌آید. در هنگام محاسبه سود اجتماعی، تطابق صحیح هزینه‌های اجتماعی با منافع اجتماعی باید صورت گیرد و به عنوان اساسی‌ترین گام، منفعت و هزینه اجتماعی می‌باید توسط دانشمندان علوم اجتماعی به طور دقیق و جامع تعریف شود.

ارکان اجتماعی

ارکان اجتماعی، گروه‌های اجتماعی هستند که به طور غیر رسمی با واحد تجاری قرار داد اجتماعی منعقد کرده‌اند و پیامد آن تعهدات اجتماعی بر عهده واحد تجاری است. در سیستم

حسابداری مرسوم این ارکان اجتماعی به رسمیت شناخته نشده و فقط سرمایه و حقوق صاحبان سهام و تعهدات رسمی واحد تجاری و تغییرات طی دوره آن، ثبت و گزارش می‌شود.

در سیستم حسابداری اجتماعی، این حقوق و علائق اجتماعی نسبت به واحد تجاری، از طریق حساب «سرمایه اجتماعی»، قابل شناسایی و گزارشگری است. این عمل در راستای هدف دوم یعنی ارتباط استراتژی و عملیات واحد تجاری با معیارهای اجتماعی بوده و برای رسیدن به این هدف ضروری است.

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، میزان علائق، حقوق و ادعاهای ارکان اجتماعی نسبت به واحد تجاری است. ثبت و گزارشگری چنین حقوق و علائقی ممکن است با سیستم حسابداری مرسوم مطابقت نداشته باشد ولی در عین حال اندازه‌گیری و گزارشگری سرمایه اجتماعی به عنوان مبنایی سودمند و مفید برای استفاده‌کنندگان هنگام تصمیم‌گیری خواهد بود. بدین گونه که مدیریت واحد تجاری در تصمیم‌گیریهای اقتصادی روزمره، همزمان با در نظر گرفتن ملاحظات مالی، حقوق و علائق اجتماعی شناسایی شده، از جمله اثراتی که تاسیس یک کارخانه جدید و چگونگی تولیدش بر محیط زیست، اشتغال، تسهیلات عمومی و ... و ادعاها و منافع و هزینه‌هایی که هر کدام از گروه‌های اجتماعی به دنبال چنین اقداماتی خواهند داشت، را در نظر می‌گیرد.

خالص دارایی اجتماعی

خالص دارایی اجتماعی، مابه‌التفاوت افزایش منابع جامعه و تحلیل منابع جامعه در اثر فعالیت واحد تجاری در طول عمر اوست. خالص دارایی اجتماعی در سیستم حسابداری مرسوم به عنوان یک منبع بالقوه کسب سود در فرایند عملیات واحد تجاری شناسایی و گزارش نمی‌شود؛ در حالی که خالص دارایی اجتماعی می‌تواند مبنایی سودمند برای تصمیم‌گیریهای بهینه استفاده‌کنندگان و مدیریت واحد تجاری باشد؛ به طور مثال، مدیریت

واحد تجاری می‌تواند با داشتن اطلاعات کافی در مورد منابع اجتماعی، اطلاعات لازم را برای بهای تمام شده استخدام پرسنل جدید و بودجه‌بندی بهای تمام شده کالاهای تولیدی در اختیار داشته و تصمیمات بهتری را اتخاذ کند.

بررسی اجرای حسابداری اجتماعی

برای بررسی نحوه اجرای حسابداری اجتماعی، باید فرایند معاملات اجتماعی و اجزای تشکیل دهنده آن تشریح شود. اجرای حسابداری اجتماعی باید با توجه به این مبانی تشکیل دهنده و نقش و اهمیت آنها صورت گیرد.

فرایند معاملات اجتماعی عوامل زیر را شامل می‌شود:

۱ - ارکان اجتماعی که در معاملات اجتماعی موثر هستند. ارکان اجتماعی شامل عامه مردم، کارکنان، سرمایه‌گذاران و حتی جوانان هستند.

۲ - تأثیر عملکرد واحد تجاری بر ارکان اجتماعی. این اثرات ممکن است به علت پیشرفت تکنولوژی تولید که ارکان اجتماعی (مصرف کنندگان) را نیز بهره‌مند می‌سازد، تولید و ارائه محصولات و خدمات عالی با حداقل قیمت باشد. بهسازی محیط زیست، کیفیت اداره منابع انسانی و ارتقای سطح معاش و رفاه اجتماعی، نمونه دیگری از تاثیر عملکرد واحد تجاری بر ارکان اجتماعی است.

در اجرای حسابداری اجتماعی و ثبت گزارشگری معاملات اجتماعی، عوامل فوق باید در نظر گرفته شوند؛ به عبارت دیگر باید بدانیم که در هر معامله‌ای در طرف مقابل واحد تجاری، گروه‌های مختلف اجتماعی هستند که باید به تفکیک، شناسایی شده و تاثیرات عملکرد واحد تجاری بر این گروه‌های اجتماعی به نسبت هر گروه اجتماعی شناسایی و اندازه‌گیری شوند. از این طریق، هزینه‌ها و منافع اجتماعی نیز به تفکیک تعیین و قیمت‌گذاری می‌گردند.

به منظور تشریح ارتباط بین معاملات اجتماعی و ارکان اجتماعی، چهار گروه اجتماعی و چگونگی معامله اجتماعی آنها در یک بانک ذیلاً توضیح داده می‌شود:

۱ - مشتریها: سودهای بانک معمولاً به عنوان شاخص اساسی مشارکت بانک با مشتریان

بکار می‌رود. در عین حال که بانک می‌تواند از طریق اتخاذ سیاستهای دیگر نیز مشتریانش را کمک کند.

۲- کارکنان: در حسابداری مرسوم، فقط هزینه‌های دستمزد کارکنان شناسایی و گزارش می‌شود، در حالی که وقتی بانک به ایجاد شعبه‌ای در منطقه‌ای کم رونق و فقیر نشین اقدام می‌کند، باعث ایجاد اشتغال بیشتر شده و به عنوان یک معامله اجتماعی باید شناسایی شود.

۳- محیط پیرامونی: اقدام بانک در افتتاح شعبه‌ای در منطقه‌ای کم رونق و فقیر نشین، ممکن است باعث بهبود رفاه اقتصادی جامعه پیرامون آن شود. اقدام بانک باعث کاهش بزهکاری، افزایش سطح تحصیلات و همچنین به حل مسأله ترافیک، تراکم جمعیت و آلودگی محیط زیست، کمک کند. مسأله کمی کردن و اندازه‌گیری اثر هر یک از این مشارکتهای بانک با جامعه، خود می‌تواند موضوع تحقیقی جداگانه باشد.

۴- گروه‌های اقلیت: تلاشهای کاهش تبعیضات درآمدی و کسب امتیازات شغلی از جمله برخوردهایی است که کارکنان یا مشتریان یا دیگر اقشار اجتماعی با واحد تجاری می‌توانند داشته باشند.

مشکلات عملی

هدفها و مفاهیم تشریح شده، چارچوب لازم برای طراحی و اجرای سیستم حسابداری اجتماعی را فراهم می‌کنند. در عین حال، مسائل پیچیده و مبهم در سطح کلان و خرد باید قبل از اجرای حسابداری اجتماعی حل شود.

در سطح کلان، این مسائل شامل تدوین هدفها و معیارهای اجتماعی به منظور تکمیل چارچوب حسابداری اجتماعی با توجه به سطح و ماهیت عملیات هر واحد تجاری است. بدیهی است که تدوین ارزشها و معیارهای اجتماعی و سیاستهای واحد تجاری وظیفه حسابداری نیست ولی محققان حسابداری باید از طریق همکاری و کسب نظر جامعه شناسان، دانشمندان علوم سیاسی، اقتصاددانان و فیلسوفان، نسبت به گردآوری مجموعه معیارها، ارزشها و هدفهای اجتماعی مورد نیاز برای طراحی سیستم حسابداری اجتماعی، اقدام نمایند. در عین حال ضرورت دارد که حسابداران در مورد علوم اجتماعی و رفتاری، آگاهی

کسب کنند تا آنها را در طراحی سیستم حسابداری اجتماعی مناسب واحد تجاری یاری دهد. همچنین چگونگی مطابقت استراتژیها و شیوه‌های تولید واحد تجاری با معیارهای اجتماعی نیز باید بررسی شود.

در سطح خرد، مسائل کمی کردن و نحوه اندازه‌گیری معاملات، منابع و حقوق اجتماعی و ارزیابی عملکرد اجتماعی، از مسائل پیچیده و مبهم است که باید حل شود. همان طور که قبلاً اشاره شد، محققان حسابداری به دنبال اندازه‌گیری و فرموله کردن این نوع معاملات، منابع و حقوق اجتماعی بوده و تاکنون نیز نتایجی عاید گردیده ولی این مشکلی است که اساساً در حال حاضر با این مقدار معلومات بر علوم اجتماعی حاکم است؛ هر گاه بتوان مسائل و پیامدهای اجتماعی را به صورت کمی فرموله نمود، حسابداری اجتماعی نیز متکاملتر خواهد شد.

نتیجه گیری

همانطور که اشاره شد، اجرای حسابداری اجتماعی نیازمند تعریف جامع و دقیقی از کارکرد و نقش هر واحد تجاری در جامعه و شخصیت قانونی حاکم بر آن است. همچنین نیاز و ضرورت ایجاد سیستم حسابداری اجتماعی و این که تا چه اندازه در تصمیم‌گیریها و ارزیابیهای اقتصادی - اجتماعی می‌تواند موثر باشد، بیان شد. از جمع بندی نتایج حاصل از این مقاله می‌توان به دیدگاه‌های روشنی دست یافت و رهنمودهایی نیز به شرح زیر ارائه داد:

۱- شناسایی، ثبت و گزارشگری هزینه، منافع، منابع (دارایی) و حقوق اجتماعی در روال فعالیت عادی اقتصادی واحد تجاری، ممکن است با اصول و استانداردهای حسابداری رایج، دقیقاً منطبق نباشد. در عین حال، ارائه اطلاعات کافی و مربوط برای تصمیم‌گیریهای استفاده‌کنندگان و بخصوص مدیریت واحد تجاری باعث تصمیم‌گیریهای صحیحتر آنها خواهد شد و حسابداری اجتماعی اطلاعاتی را به استفاده‌کنندگان ارائه می‌کند که هیچ‌گاه حسابداری مرسوم آنها را، علی‌رغم این که از الزامات و تعهدات عمده واحد تجاری ریشه می‌گیرد و حتی دوام یا زوال واحد تجاری را نمایان می‌سازد، شناسایی و گزارش نمی‌نماید. به طور مثال واحد تجاری که دارای شعبه‌های مختلف در کشورهای خارجی و از جمله کشورهای بی‌ثبات است، چنانچه شعبه‌اش در چنین کشورهایی بدون توجه به آثار فعالیتش

بر جامعه پیرامونش و موقعیت خاص و تحولات اجتماعی و سیاسی‌اش اقدام به فعالیت نماید، ممکن است با شرایطی روبرو شود که حتی ادامه فعالیت شرکت را تهدید کند. کودتا یا صدمات وارده از سوی گروه‌های ناراضی جامعه، نمونه‌ای از تهدیدها یا ادعاهای اجتماعی علیه چنین واحدهای تجاری است.

۲- گذشته از علاقه مدیریت و نیاز داخلی واحد تجاری، الزامات قانونی که به عهده واحد تجاری گذاشته می‌شود، باعث توجه واحد تجاری به حقوق اجتماعی شده، واحد تجاری مجبور خواهد بود برای تامین این نیازها و الزامات قانونی، سیستم حسابداری اجتماعی را طراحی کند.

۳- با توجه به این که حسابداری اجتماعی تا اندازه زیادی تحت تاثیر معیارها و قوانین اجتماعی است، باید با شناسایی به موقع تاثیرات و پیامدهای این تغییرات، نسبت به ثبت و گزارش آنها اقدام نمود. همچنین باید در نظر داشت که همین قوانین می‌توانند مبانی و اصول ارزیابی عملکرد اجتماعی واحد تجاری باشند.

۴- سرانجام، هدف این مقاله مطرح کردن موضوعی است که روند آینده حسابداری با آن روبرو خواهد بود. حسابداری اجتماعی قطعاً تاثیر فزاینده‌ای بر تئوری حسابداری خواهد گذاشت. همچنان که رشد علم مدیریت، مرزهای تازه‌ای را در زمینه حسابداری مدیریت گشود، رشد علوم اجتماعی و افزایش آگاهیهای اجتماعی مردم نیز مرزهای جدیدی را در زمینه حسابداری اجتماعی باز خواهد کرد. تقاضا برای حسابداری اجتماعی به افزایش آگاهیهای اجتماعی استفاده‌کنندگان و عموم مردم از سودمندی صورتهای مالی بستگی دارد. از سوی دیگر همگام با مباحثات جدی مربوط به آلودگی محیط زیست، توزیع ناعادلانه درآمد، افزایش بیکاری و پیامدهای آن، این جنبه از حسابداری را تقویت، و از این طریق حسابداری سهم خود را در ارائه راه حل برای مسائل اجتماعی ادا خواهد کرد. به این ترتیب، افزایش شناخت و درک جامعه از سودمندی اطلاعات حسابداری اجتماعی به تدریج مطرح می‌شود و تکامل می‌یابد و به زودی باید شاهد تلفیق حسابداری مالی و حسابداری اجتماعی باشیم و گزارشگری اجتماعی نیز به همان اندازه اهمیت گزارشگری مالی مطرح خواهد شد.

فهرست منابع

1- Ramanathan Kavasseri V. "Toward A Theory of Corporate Social Accounting", The Accounting Rivew (July 1976), pp. 516.

2- Gray, R. Owen, D., Maunders, K. "Corporate Social Reporting" Prentice - hall, 1987.

3- Belkai., "Accounting Theory ", Harcourt Brace Javanaossil ch. 10, 1985.

۴- آل‌وین تافلر، «موج سوم»، شهیندخت خوارزمی، انتشارات نشر نو، ۱۳۶۸.

۵- نوروش، ایرج، «حسابداری منابع انسانی»، بررسی‌های حسابداری، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۱.

۶- رویایی، رمضانعلی، «هدفهای جدید و نقشهای تازه برای حسابداران ایرانی»، بررسی‌های حسابداری، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی